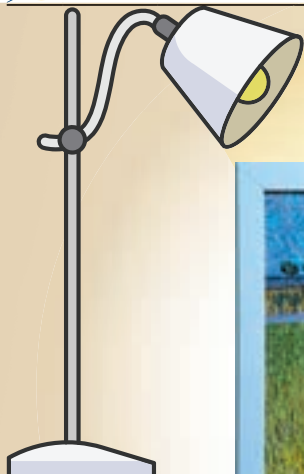
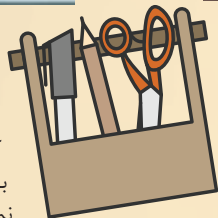




دیده است، اما شور زندگی را عامل ادامه راه و تداوم مسیر هنری اش می‌داند. «من کم آوردم، خرد شدم و زمین خوردم؛ اما هر بار بلند شدم و به خودم می‌گفتم که در سکون نمی‌توان به پیشرفت رسید. سکون برای خانواده من به منزله مرگ است.»



شکستن مرزها برای یادگیری

در سال ۹۴، خانم حیاتی شرکت تعاونی «هنرمندان کارآفرین گلپهر» را تأسیس کرد؛ شرکتی که در حوزه صنایع خلاق، به‌عنوان شرکت برتر ملی ایران شناخته شد. انگیزه راه‌اندازی این مجموعه، ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت اقتصادی بانوانی بود که می‌خواهند از راه هنر به درآمد برسند. «ما بر کارآفرینی اجتماعی تمرکز داریم و آموزش رایگان برای بانوان کم‌برخوردار... به شرط اشتغال

پس از دوره... ارائه می‌دهیم. بانوان پس از آموزش، کارها را در خانه انجام می‌دهند و ما خریداران را تضمین می‌کنیم. به تازگی هم ۳۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، هنرهایی را که منسوخ شده بود و به نسل مادر بزرگ‌ها تعلق داشت دوباره یاد گرفته‌اند؛ هنرهایی مثل ابریشم‌بافی، گلابتون‌دوزی و قیطون‌دوزی که حالا برایشان منبع درآمد است.» خاطره‌ای از زبان این هنرمندان می‌دهد که یادگیری هنر هیچ مرزی نمی‌شناسد، حتی سن و سال. «یکی از شاگردانم خانمی هفتادساله بود، اکنون مهاجرت کرده و همان هنر را به منبع درآمدزایی برای خودش تبدیل کرده است. در تمام مصاحبه‌های خارجی گفته‌ام که زن ایرانی توانمند است و هنرمند؛ او حتی می‌تواند به مقام کارآفرین برتر ملی دست یابد، زمانی که خودش را باور داشته باشد. دستش را روی زانوی خودش بگذارد و با عزم و اراده، یاعلی‌بگوید و توانمندی‌هایش را شکوفا کند.»

نیلوفر _ نگارگر و پژوهشگر دوره دکتری هنر _ برجسته بود. نیلوفر همراه مادرش در جشنواره‌های مختلف در کشورهای متعدد حضور پیدا کرده است و با پوشیدن لباس‌های سوزن‌دوزی محلی، مانند لباس خراسانی و قشقایی، نشان ایرانی بودن خود را همیشه همراه دارد. «درست است که من در خانواده‌ای هنری بزرگ شده‌ام؛ اما به جز نگارگری، چون کسی که در رشته هنر تحصیل می‌کند باید تمامی هنرها را بلد باشد، نقاشی، کلاژ و هنرهای تجسمی را نیز آموخته‌ام و در همه این حوزه‌ها با کارهای پدر و مادرم آشنا هستم.»

او در جشنواره جهانی الجزایر شرکت کرده و به عنوان جوان‌ترین نگارگر، تقدیر شده است. به جز این، در جشنواره بین‌المللی امام‌رضا^(ع)، در بخش جوانان برگزیده شد. همچنین اترم با عنوان "دخیل" از سوی وزارت کار و تعاون خریداری شد. طرحی نیز برای زیباسازی شهر تهران با تلفیق خوش‌نویسی و نقاشی، با همکاری مادرم اجرا کردیم. این نگارگر جوان در پژوهش‌های هنری اش نیز مسیر متفاوتی را دنبال کرده است. او با موضوع «نفوذ فرهنگ و هنر ایرانی در کلیساهای کاتولیک و آرامنه» فعالیت کرده و به دلیل خاص بودن این موضوع، برای دوره دکتری درخواست‌های پذیرش زیادی دریافت کرده است. «من به زبان‌های آلمانی، ایتالیایی و انگلیسی کاملاً مسلط هستم و از همان روزهای آغاز تحصیل در کارشناسی ارشد، پژوهش‌های تخصصی خود را شروع کرده‌ام.»

در سکون پیشرفت نیست

هنرمندی که هزاران ساعت پشت میزش کار می‌کند، از آسیب‌های جسمی در امان نیست؛ انگشتان دست این استاد هنر که به‌طور کامل خم نمی‌شوند، مؤید همین واقعیت‌اند. «به خاطر کار مستمر، انگشتان دستم کج شده‌اند و دچار دیسک گردن شده‌ام. من روزانه هشت تا ده ساعت پشت میز کار می‌نشینم و استخوان ران و کتف‌ها را هم نیاز آسپ دید‌اند.» هرچند جسم او آسیب

نشان دادم که زن ایرانی توانمند است و می‌تواند کارآفرین باشد.

تابلویی پارچه‌ای از ۲۶ چهره

در میان آثار خانم حیاتی، تابلویی که در نگاه اول برای هر بازدیدکننده‌ای چندبُعدی به نظر می‌رسید، حاکی از هنری بود که فراتر از مرزها عمل کرده است. «در مسابقات جهانی "رامبران" که متولی برگزاری آن موزه سلطنتی هلند بود شرکت کردم و با استفاده از صد هزار قطعه میلی‌متری پارچه از دورریزهای خیاط‌خانه‌ها، اثری به نام "نگهبانان شب" از خود را مبراند را کار کردم؛ در آن تابلو تقریباً ۲۶ چهره مختلف به کار رفته است که هیچ کدام شبیه دیگری نیست و میان ۸۳۰۰ نفر از سراسر جهان، از آسیا و ایران، کار من انتخاب شد. جالب اینکه فردی از انگلستان با استفاده از جواهرات، همین اثر را بازآفرینی کرده بود، اما حتی به مرحله نهایی راه نیافت؛ ولی کار من که از ضایعات بود، به عنوان حافظ محیط زیست برگزیده شد و به مدت چهار ماه در موزه سلطنتی هلند به نمایش گذاشته شد که این افتخاری برای من و زنان سرزمینم بود.»

او که سابقه فعالیت به عنوان بازرس اتاق تعاون خراسان و عضویت و ریاست هیئت مدیره در اتحادیه تعاونی‌های بانوان خراسان رضوی را دارد، معتقد است این موفقیت‌ها حاصل سال‌ها تلاش و پشتکار است. «در سه دوره متوالی، برتر کشور در جشنواره‌های اصفهان، مشهد و شیراز شدم. در جشنواره بین‌المللی امام‌رضا^(ع) شرکت کردم و کارم در گنجینه رضوی است. یکی از آثارم را وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خریداری کرد و به قالیباف، رئیس مجلس وقت، اهدا شد.»

هنری که مادر و دختری شد

در صحبت‌های گلپهر، ارتباط عمیق میان او و دخترش

